

واکاوی رابطه بین فساد عینی و ادراکی با مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته

مهدی رزم‌آهنگ* و مهدی صادقی شاهدانی**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۸	شماره صفحه: ۳۱-۵۰
------------------------	------------------------	-----------------------	-------------------

رابطه بین فساد و اعتماد اجتماعی محل پرسش بسیاری از پژوهشگران در سطح جهان بوده است. در پژوهش حاضر بر پایه ادبیات نظری، تأثیر فساد عینی و ادراکی بر مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته آزمون شده است. داده‌های مربوط به تعداد پرونده‌های «اختلاس، ارتشا و جعل» و «صدور چک‌های برگشتی» در استان‌های کشور، به‌عنوان نماینده متغیر فساد عینی انتخاب شده است. همچنین برای دستیابی به داده‌های مستند در مورد ادراک فساد (فساد ذهنی) و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته از گویه‌های مختلف موج اول پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان استفاده شده است. رابطه بین این متغیرها با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که رابطه منفی بین ادراک فساد و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته وجود دارد؛ به عبارت دیگر در استان‌هایی که ادراک فساد بالاست، سطح اعتماد اجتماعی تعمیم یافته پایین است. با توجه به آنکه نسبت بین اعتماد اجتماعی (به‌عنوان مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی) و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی در پژوهش‌های متعددی اثبات شده است و همچنین براساس یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان گفت که ادراک فساد باعث کاهش سطح اعتماد اجتماعی می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مبارزه با فساد، هم در عالم عین و هم در عالم ذهن و به صورت توأمان باید در دستور سیاستگذاری کشور قرار گیرد. به عبارت دیگر تقویت سطح اعتماد اجتماعی در جامعه فقط زمانی رخ می‌دهد که ادراک فساد کاهش یابد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی؛ اعتماد اجتماعی؛ اعتماد تعمیم یافته؛ فساد؛ ادراک فساد

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: razmahang@ut.ac.ir

** استاد اقتصاد دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)؛

Email: sadeghi@isu.ac.ir

مقدمه

در مقالات متعددی به این موضوع اشاره شده است که فساد اقتصادی چه در عالم ذهن (ادراک فساد) و چه در عالم خارج، تأثیر مخربی بر سرمایه اجتماعی و به طور خاص مؤلفه اعتماد اجتماعی برجای خواهد گذاشت. در مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی این‌گونه مطرح می‌شود که اعتماد به سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شود: اعتماد فرد به اعضای خانواده، اعتماد مردم به مردم و اعتماد مردم به حکومت. مفسد اقتصادی و فراگیر شدن آنها، هر یک از انواع اعتماد را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

کاهش اعتماد اجتماعی و به تبع، سرمایه اجتماعی، رشد و توسعه اقتصادی تحت الشعاع قرار خواهد گرفت و این امر باعث تضعیف شاخص‌های کلان اقتصادی کشور خواهد شد.

رابطه بین فساد و اعتماد اجتماعی، محل پرسش بسیاری از پژوهشگران در سطح جهان بوده است؛ پاسخ به این پرسش در پژوهش‌های متعدد و بر پایه داده‌های گوناگون انجام شده است. در پژوهش حاضر، سؤال اصلی این است که آیا سطح فساد تحقق یافته (فساد عینی) و ادراک آن (فساد ذهنی) در جامعه، بر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته تأثیرگذار است؟

اهمیت پژوهش حاضر به این جهت است که در نظام قضایی کشور و همچنین در فضای رسانه‌ای دائماً بر این موضوع تأکید می‌شود که مبارزه با فساد باعث افزایش اعتماد اجتماعی و به تبع سرمایه اجتماعی خواهد شد. ضمن تأیید گزاره فوق باید گفت که برای بهبود سطح اعتماد اجتماعی، فقط مبارزه با فساد از طریق رویه‌های قضایی کافی نیست. درحقیقت، مدعا و فرضیه پژوهش حاضر آن است که مبارزه با فساد عینی تنها زمانی می‌تواند سطح اعتماد و سرمایه اجتماعی را افزایش دهد که ادراک فساد در جامعه را کاهش دهد؛ به عبارت دیگر مبارزه با فساد در فضای واقعی باید قرین و همراه این انگاره مهم در افکار عمومی جامعه شود که «اطرافیان قابل اعتمادند و رفتارهای فسادآلود در جامعه کاهش یافته است».

روند ارائه بحث به این شرح است: در قسمت اول مقاله، مبانی نظری پژوهش ذکر

شده است. در این بخش، اهمیت و کارکردهای اعتماد اجتماعی از منظر اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در قسمت دوم پیشینه تجربی درباره سازوکارهای تأثیر اعتماد اجتماعی بر عملکرد اقتصادی و همچنین نحوه تأثیرگذاری فساد بر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته گردآوری شده است. در قسمت سوم، روش پژوهش تبیین شده؛ به این صورت که تأثیر عوامل مختلف و به طور خاص فساد ذهنی و عینی بر مؤلفه اعتماد تعمیم یافته با استفاده از مدل سازی سنجی بررسی شده است. در قسمت چهارم نتیجه مدل سازی و یافته ها بیان شده است. در قسمت پنجم جمع بندی و نتیجه گیری مقاله و همچنین بر مبنای یافته های پژوهش توصیه های سیاستی ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

در ادبیات نظری، از زوایای مختلفی به مفهوم سرمایه اجتماعی نگاه شده است. یکی از مهمترین عناصر سرمایه اجتماعی که عموماً مدنظر اندیشمندان قرار می گیرد، «اعتماد اجتماعی» است. همین مؤلفه است که از متغیرهای گوناگونی تأثیر می پذیرد و به واسطه سازوکارهایی بر عملکرد کل اقتصاد تأثیر می گذارد. اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی از زوایای مختلفی به تبیین اهمیت مؤلفه اعتماد اجتماعی پرداخته و کارکردهای آن را در حیات جمعی بر شمرده اند.

اینگلهارت بیان می کند: «اعتماد به یکدیگر بخشی از نشانگان فرهنگی پایداری است که به بقای دموکراسی منجر می شود» (اینگلهارت، ۱۳۷۴: ۳۶)؛ به عبارت دیگر اعتماد اجتماعی منبع عمومیت یافته ای است که عمل سیاسی مردم سالارانه را حفظ می کند اعتماد اجتماعی، همکاری و تعاون سیاسی را در میان شهروندان تسهیل می کند و بدون آن وجود سیاست های مردم سالارانه امکان پذیر نیست (Dekker and Uslander, 2003, 1-15).

اعتماد یکی از پیش شرط های مهم برای همکاری با مقامات دولتی است. اگر شهروندان به مقامات دولتی اعتماد داشته باشند فرصت بهتری برای توسعه هنجارهایی که موجب ترویج و هدایت تعاون و همکاری می شود فراهم خواهد شد. اگر مقامات دولتی به شهروندان اعتماد داشته باشند قوانین و مقررات الزام کننده کاهش می یابد و

فضای بیشتری برای هنجارهای اخلاقی که بر تصمیمات شهروندان مؤثرند فراهم خواهد شد (Biel, 2000: 36).

زتومکا درباره کارکردهای اعتماد اجتماعی می‌گوید: «اعتماد، سازوکار انسجام‌بخشی است که تجانس را در روابط اجتماعی و نظام‌ها ایجاد و حفظ می‌کند. اعتماد خمیرمایه نظم در جامعه مدنی است که روابط و معاشرت‌های متقابل را در میان اشخاصی که به طور رسمی آزاد هستند تجویز می‌کند» (Sztompka, 1999: 103).

اعتماد به دیگران موجب افزایش و بسط تعامل اجتماعی می‌شود و از اضطراب، تعلل، پابیدن و مراقب یکدیگر بودن می‌کاهد و افراد اختیار و آزادی بیشتری را کسب می‌کنند و مانع انفعال، انزوا و رفتار خصمانه می‌شود و نظم اخلاقی مبتنی بر خویشتن‌داری و متعهد دانستن خود به قول و قرارها و هنجارهای اجتماعی را تقویت می‌کند. در سطح فرافردی نیز اعتماد، مشارکت با دیگران را در قالب انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی که به تقویت شبکه پیوندهای بین‌شخصی و محلی می‌انجامد را بسط می‌دهد و زمینه را برای ارتقای سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند و از غفلت و بی‌تفاوتی جمعی که مانع کنش‌های جمعی است می‌کاهد. بازشناسی تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی را ترغیب می‌کند که باعث کاهش بیگانگی‌ها، مهار و کنترل نزاع‌های جمعی در مقیاس‌های بین‌کشوری و بین‌تمدنی می‌شود. پیوستگی‌های جمعی که مانع بیگانگی اجتماعی می‌شوند را گسترش و فرصت تعاون و همکاری را افزایش می‌دهد و هزینه انجام کنش‌های جمعی را به حداقل می‌رساند و در نهایت زمینه را برای تحقق فرهنگ اعتماد فراهم می‌کند (غفاری، ۱۳۸۴: ۹).

از حیث سیاسی نیز اعتماد به مسئولان و متصدیان دولتی یک ذخیره معنوی و اخلاقی است که حکومت برای جلب مشارکت همگانی و تحقق اهداف ملی می‌تواند از آن بهره‌گیرد (یوسفی، ۱۳۸۱: ۴۲).

نتیجه آنکه اعتماد اجتماعی واقعیتهای اجتماعی - فرهنگی است که ریشه در زمینه‌ها و تجارب اجتماعی - تاریخی یک جامعه دارد. زمانی که در جامعه فرهنگ اعتماد ظهور می‌یابد و در نظام هنجاری جامعه ریشه می‌دواند تبدیل به عاملی کارآمد می‌شود که آثار و کارکردهای زیادی را در سطوح مختلف از خود برجای می‌گذارد. یکی از مهمترین

کارکردهای افزایش اعتماد اجتماعی، تقویت سطح سرمایه اجتماعی در جامعه است. به باور اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، تقویت سطح سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر شاخص‌های کلان اقتصادی بگذارد.

فوکویاما (۱۹۹۵) این موضوع را مطرح می‌کند که تفاوت کشورها به لحاظ ساختار صنعتی‌شان بیش از آنکه به سطح توسعه آنها ربط داشته باشد، به میزان سرمایه اجتماعی‌شان - یعنی میزان اعتمادورزی افراد یک جامعه به یکدیگر و نیز مشارکت آنها در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهروندی - بستگی دارد. به تعبیر فوکویاما، سطح بالای اعتماد در یک جامعه موجب پیدایش اقتصادی کارا تر می‌شود. او بیان می‌کند که هرگونه رشد و توسعه اقتصادی توسط سازمان و نه فرد شکل می‌گیرد و موفقیت سازمان بستگی به میزان همکاری اجتماعی درون سازمانی دارد. اقتصاددانان شکل‌گیری سازمان را وابسته به نهادهایی از قبیل حق مالکیت، قراردادها و نظام قوانین تبلیغات می‌دانند؛ اما مسلماً نمی‌توان نقش اعتماد اجتماعی را در شکل‌گیری و موفقیت سازمان نادیده گرفت. فوکویاما معتقد است که سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد در جوامع، متفاوت است و همین امر می‌تواند تفاوت‌های اقتصادی کشورها را توضیح دهد. وی معتقد است که در جوامع با سطح اعتماد پایین، ساختار تولید به‌گونه‌ای است که بیشتر ارزش تولیدی جامعه در قالب فعالیت اقتصادی خانوار صورت می‌گیرند و ارزش تولیدی شرکتی کمتر خواهد بود. او بیان می‌کند در جوامعی که به دلایلی اعتماد مردم به هم کم است، مردم از یکدیگر می‌هراسند و از هم دور می‌شوند. در چنین جوامعی تنها محفل امن برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، حیطة خانواده و آشنایان است؛ زیرا در چنین محفل‌هایی به دلیل همدلی و همبستگی یا رودررویی آتی امکان فریب و استثمار کمتر است. در چنین جوامعی شعاع اعتماد بسیار کم و محدود به خانواده می‌شود؛ بنابراین بیشتر تولیدات اقتصاد منحصر در تولیدات خانواده می‌شود و سهم ارزش افزوده شرکت‌ها کم خواهد بود (Fukuyama, 1995: 90-94).

پاتنام نیز در اثر خود با نام *به کار انداختن دمکراسی* به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در ایتالیا بر روی نه فقط مسیر سیاسی بلکه توسعه اقتصادی این کشور پرداخت. به عقیده وی، منطقه شمالی ایتالیا که به‌طور تاریخی از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی (اعتماد

و نیز مشارکت در نهادهای مدنی، برخوردار بوده، دارای حکومت‌های دموکراتیک‌تر و نیز اقتصاد محلی شکوفاتری بوده است. در مقابل، بخش‌های جنوبی این کشور، به خصوص منطقه سیسیل که سطح پایین‌تری از سرمایه اجتماعی داشته و به‌عنوان کانون فعالیت‌های باندها و مافیا شناخته شده، به‌طور سنتی شاهد توسعه اقتصادی پایین‌تر و نیز سیطره نظام‌های سیاسی تمامیت‌خواه بوده است (Putnam, 1993).

۲. پیشینه تجربی

در این قسمت ابتدا به معرفی پژوهش‌هایی می‌پردازیم که به‌صورت تجربی، تأثیر اعتماد اجتماعی (به‌عنوان مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی) را بر شاخص‌های کلان اقتصادی اثبات کرده‌اند.

زاک و ناک (۲۰۰۱) با استفاده از یک مدل تعادل عمومی رشد که در آن شرکت‌های غیرهمگن با یکدیگر تعامل دارند، نشان دادند که حضور در یک فضای بی‌اعتمادی باعث کاهش نرخ پس‌انداز و به‌تبع رشد اقتصادی خواهد شد. از طرف دیگر جوامع دارای سطح اعتماد بالا، به نرخ پس‌انداز و رشد بالاتری دست خواهند یافت. همچنین آنها نشان دادند که کشوری که مبتلا به بی‌اعتمادی اجتماعی است، دچار دام فقر خواهد شد. این نتیجه با استفاده از مدل بین‌کشوری و با بررسی داده‌های پیمایش ارزش‌ها از ۳۷ کشور صنعتی جهان انجام شده است (Zak and Knack, 2001: 1-12).

سوری (۱۳۸۴) تأثیر سرمایه اجتماعی را بر روی دو متغیر مهم رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که شاخص کاهش سرمایه اجتماعی رابطه منفی و کاملاً معنادار با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد (سوری، ۱۳۸۴: ۹-۶). رحمانی و امیری (۱۳۸۶) در پژوهش خود به بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. آنها به تاسی از نظریات اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی، اعتماد را به‌عنوان مهمترین عنصر سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند و با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌ها

و نگرش‌های ایرانیان، داده‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی برای ۲۸ استان کشور در طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲، تأثیر اعتماد را بر رشد اقتصادی با روش اقتصادسنجی فضایی اندازه گرفته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اعتماد بر رشد اقتصادی تأثیر معناداری دارد. همچنین در این پژوهش از تعداد پرونده‌های مختومه چک بلامحل به‌عنوان شاخصی منفی از اعتماد استفاده شده است. در نهایت این نتیجه حاصل شد که یک واحد افزایش در تعداد پرونده‌های مختومه چک بلامحل (شاخصی منفی از اعتماد)، رشد اقتصادی به میزان ۰/۱۱ درصد کاهش می‌یابد (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶: ۱۰-۱).

رنانی و مؤیدفر (۱۳۸۷) نیز به بررسی تحلیلی و آزمون تجربی رابطه میان سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی پرداخته‌اند. آنها پژوهش خود را بر پایه این فرض که «سرمایه اجتماعی (در اینجا اعتماد متقابل بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی) عامل مهمی است که در کنار سایر عوامل مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی می‌تواند اختلاف در رشد اقتصادی مناطق مختلف را توضیح دهد» بنا نهادند. در یک بررسی تجربی رابطه بین اعتماد اجتماعی و رشد اقتصادی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به منظور تفکیک «شدت اثر» اعتماد به گروه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف، اعتماد عام به سه زیرشاخه: مراجع قانونی، مراجع اجتماعی و مراجع اقتصادی تقسیم شده است و اثر هر یک به‌طور جداگانه بر روی رشد اقتصادی سنجیده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد تأثیر معناداری بر روی رشد اقتصادی دارد همچنین تفکیک شاخص اعتماد به سه گروه مراجع قانونی، اجتماعی و اقتصادی تفاوت معنادار گروه‌ها را در توجیه تغییرات رشد اقتصادی در میان استان‌ها نشان داد. در این میان، اعتماد به مراجع اقتصادی و سپس مراجع قانونی به مراتب بیش از شاخص اعتماد به مراجع اجتماعی، رشد اقتصادی در استان‌ها را متأثر می‌کند (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۷: ۶-۱).

پس از بحث درباره نسبت اعتماد اجتماعی و عملکرد اقتصادی، اکنون به بررسی تأثیر مفاسد اقتصادی بر اعتماد اجتماعی (و به تبع سرمایه اجتماعی) می‌پردازیم. سلیگسون (۲۰۰۲) با بررسی داده‌های پیمایش ملی از ۹۰۰۰ شهروند در چهار کشور السالوادور، نیکاراگوئه، پاراگوئه و بولیوی؛ تأثیر فساد را بر روی قانون‌مداری دولت و اعتماد اجتماعی آزمایش کرد

و به این نتیجه رسید که صرف نظر از ویژگی‌های مربوط به فضای اقتصادی و اجتماعی و شرایط آمارگیری، افزایش فساد اعتقاد به قانون‌مداری دولت را خدشه‌دار و اعتماد بین افراد را ضعیف می‌کند. سلیگسون با استناد به ایده پاتنام بیان می‌دارد که اعتماد بین فردی باعث ایجاد پیوستگی‌های عمیق و پایدار می‌شود که در نتیجه آن، افراد به نظام سیاسی خود اعتماد می‌کنند (Seligson, 2002: 1-4).

اوسلاندر (۲۰۰۴) در پژوهشی گسترده به بررسی رابطه فساد و اعتماد و برعکس می‌پردازد. سؤال اصلی او این است که چرا احترام به قانون در بعضی کشورها بالاتر و در بعضی کشورها پایین است. وی به دنبال پیدا کردن علت و معلول است چرا که هر کدام از مؤلفه‌های فساد و اعتماد به تنهایی آثار و نتایج قابل توجهی دارند. او سؤال می‌کند: «آیا باید کسی که جیب جامعه را می‌زند، به زندان بیاندازیم یا اینکه در جهت افزایش اعتماد اجتماعی تلاش کنیم؟». اوسلاندر با استفاده از روش حداقل مربعات دومرحله‌ای و با بررسی آمارهای مربوط به فساد و اعتماد اجتماعی از ۲۳ کشور جهان به این نتیجه رسید که این دو متغیر، نسبت به یکدیگر رفتار رفت و برگشتی دارند و از بین متغیرهایی که اعتماد را توضیح می‌دهند (فساد، مذهب و شاخص شکاف درآمدی) فساد بیشترین قدرت توضیح‌دهندگی را دارد. همچنین از بین متغیرهایی که فساد را توضیح می‌دهند، متغیرهای فرهنگی بیشترین قدرت توضیح را دارند (Uslander, 2004: 1-10).

تالهوفر (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی و تحلیل تغییرات سرمایه اجتماعی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ در کشور کرواسی پرداخته و سه عنصر اصلی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد تعمیم‌یافته، مشارکت شهروندی و اعتماد نهادی را اندازه‌گیری و مورد مقایسه قرار داده و به این نتیجه رسیده است که سرمایه اجتماعی در طی این سال‌ها تضعیف شده است و وی در این پژوهش به دنبال عاملی است که بتواند این تغییر را توضیح دهد. مهمترین و قوی‌ترین عاملی که می‌تواند تغییرات اعتماد نهادی را توضیح دهد، ادراک و مشاهده فساد است. مردمی که معتقدند فساد فراگیر شده است، اعتماد کمتری به نهادهای کشور دارند (Stulhofer, 2004: 1-6).

چنگ و چو (۲۰۰۶) در پژوهش تجربی خود به دنبال این بودند که آیا در کشورهای

آسیایی، ادراک مردم از فساد، بر روی اعتماد آنها به نهادهای سیاسی تأثیر می‌گذارد یا خیر؟. آنها با استفاده از روش معادلات هم‌زمان، تأثیر فساد اداری اقتصادی بر اعتماد نهادی را تأیید کردند (Chang and Chu, 2006: 1-6).

روزستین واک (۲۰۰۹) با بهره‌گیری از روش تجربی و با مقایسه آمارهای دو کشور رومانی (دارای فساد زیاد و سطح اعتماد پایین) و سوئد (دارای فساد کم و سطح اعتماد بالا) به این نتیجه رسیدند که تجربه مردم از فساد مسئولان نه تنها اعتماد نهادی (اعتماد مردم به نهادها و مسئولان) را دچار انقباض می‌کند؛ بلکه اعتماد تعمیم یافته (اعتماد مردم به مردم) را نیز خدشه دار می‌کند (Rothstein and Eek, 2009: 2-6).

ریچی (۲۰۱۰) نیز به بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر اعتماد تعمیم یافته پرداخت. او با تلفیق آمارهای ایالتی مربوط به فساد مدیران با پیمایش‌های سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ مطالعات انتخابات ملی آمریکا و با استفاده از روش داده‌های مقطعی زمانی به دنبال اثبات تأثیر مفاسد اقتصادی بر اعتماد تعمیم یافته بود. در نهایت وی به این نتیجه رسید که تأثیر واضح و روشنی دیده می‌شود. ریچی در تحلیل‌هایش تأثیر فساد عینی (که برگرفته از آمارهای مفاسد اقتصادی کشف شده است) و فساد ادراکی را (که از پیمایش‌های ملی استخراج شده و از مردم سؤال شد که آیا به نظر شما بیشتر مردمی که در بخش دولتی فعالیت می‌کنند، به فساد دچار هستند یا خیر؟) به طور جداگانه بر روی اعتماد تعمیم یافته آزمایش کرد که تأثیر هر دو نیز اثبات شد (Richey, 2010: 1-5).

موریس و کلسنر (۲۰۱۰) برای بررسی نسبت فساد و اعتماد در کشور مکزیک از روش معادلات هم‌زمان استفاده کرده و تأثیر رفت و برگشتی بین این دو مؤلفه را مورد آزمایش قرار دادند. در پژوهش آنها مؤلفه فساد در دو حالت درک فساد و تجربه فساد مورد بررسی قرار گرفت. توضیح اینکه ادراک افراد از فساد به صورت پیمایشی و پرسشنامه‌ای به دست می‌آید و واقعیت و عینیت فساد از طریق پرونده‌های قضایی استخراج می‌شود. همچنین دو نوع اعتماد در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت: اعتماد نهادی و اعتماد بین فردی. متغیرهای توضیح دهنده اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی عبارت‌اند از: تجربه فساد، درک فساد، میزان تحمل و پذیرش فساد، ارزیابی اجتماعی اقتصادی مردم از اقتصاد (معطوف به گذشته)،

شاخص ارزیابی مشارکت اجتماعی و تحصیلات. نتیجه مدل‌سازی نشان می‌دهد رابطه دوطرفه قابل توجهی بین فساد و اعتماد وجود دارد (Morris and Klesner, 2010: 7-16). بررسی پیشینه تجربی نشان می‌دهد در ایران تا به حال پژوهشی انجام نشده است که به صورت هم‌زمان تأثیر فساد عینی و ادراکی بر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته را مورد سنجش قرار دهد. وجه نوآوری پژوهش حاضر آن است که در کنار مؤلفه فساد عینی، فساد ادراکی را نیز وارد مدل‌سازی کرده است.

۳. روش پژوهش

در این قسمت به بررسی و آزمایش تأثیر مفاسد بر اعتماد اجتماعی می‌پردازیم. در مقاله حاضر برای تخمین اثر مفاسد اقتصادی بر اعتماد تعمیم یافته از روش حداقل مربعات معمولی^۱ استفاده شده است. همچنین بر پایه پژوهش‌های ریچی و موریس و کلسنر فساد ادراکی از فساد عینی تفکیک شده است. مدل مدنظر برای تخمین اعتماد تعمیم یافته به صورت ذیل است:

$$\text{Trust} = c + \alpha \text{ perceived justice} + \mu \text{ perceived corruption} + \beta \text{ common} + \xi \text{ bribery} + \Omega \text{ cheque} + \varepsilon$$

متغیر وابسته مدل، اعتماد اجتماعی تعمیم یافته^۲ است که در مدل فوق با عبارت «Trust» نشان داده شده است. داده‌های مربوط به این متغیر از موج اول پیمایش ارزش‌ها

1. Ordinary Least Squares (OLS)

۲. این نوع اعتماد در زمینه‌ای فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که اعتماد به اشخاص جای خود را به اعتماد به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی‌تر و گسترده‌تری چون اصناف اجتماعی که در ورای مرزهای خانوادگی، همسایگی و طایفه‌ای قرار گرفته و در مقیاس ملی مطرح می‌شوند، می‌دهد. حوزه تعامل و ارتباطی در اینجا از سطح روابط و تعامل درون‌گروهی به تعامل بین‌گروهی و نهادی ارتقا می‌یابد و اعتماد اعضای جامعه به نهادها و اصناف اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. تعیین برخی از نقش‌های قابل اعتماد و یا غیرقابل اعتماد در میان جوامع و دوره‌های تاریخی مختلف ممکن است متفاوت باشد. حالت انتزاعی‌تر اعتماد معطوف به نهادها و سازمان‌هایی مانند مدرسه، دانشگاه، ارتش، نظام قضایی، نیروی انتظامی، بانک‌ها، دولت، مجلس، کارخانه‌ها و ... است.

و نگرش‌های ایرانیان^۱ استخراج شده است. اعتماد تعمیم یافته فراتر از روابط چهره به چهره است و در اینجا صنف‌های خاصی را دربرمی‌گیرد که عبارت‌اند از: کارگران، بنگاه‌دارها، معلمان، پلیس راهنمایی و رانندگی، رانندگان تاکسی، پزشکان، قضات، اساتید دانشگاه، کسبه، نیروی انتظامی، ورزشکاران، روحانیون، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و کارکنان ارتش. در رابطه با هر یک از صنوف از مردم خواسته شد که میزان اعتماد خود را به آن صنف خاص بیان کنند. بالا بودن عدد مربوط به شاخص اعتماد در هر استان، دلالت بر بالا بودن میزان اعتماد تعمیم یافته در آن استان دارد.

دستیابی به عدد نهایی اعتماد تعمیم یافته برای هر یک از استان‌های کشور طی چند گام حاصل شد: در گام اول، مقادیر یک تا هفت بسته به نوع پاسخ فرد به سؤال «شما به هر کدام از گروه‌ها و اصنافی که نام می‌برم به‌طورکلی تا چه اندازه اعتماد دارید؟» نسبت داده شد. این پاسخ‌ها عبارتند از: اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد، کاملاً. در گام دوم به ازای هر صنف در هر استان یک میانگین‌گیری موزون از بین مقادیر هفت‌گانه انجام شد. در گام سوم به ازای تمام صنوف در هر استان، یک میانگین به دست آمد.

اولین متغیر توضیحی «درک از عدالت» است که با عنوان Perceived Justice در مدل

۱. پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۳۸۰ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است. دلیل استفاده از این پیمایش، همه‌جانبه بودن اطلاعات آن است. البته قرار بر این بود که چنین پیمایش‌هایی هر دو سال یک‌بار به صورت کشوری انجام شود، اما متأسفانه به دلایلی این امر محقق نشده است. بعد از این پیمایش، کارهای مشابهی توسط نهادهای دیگر انجام شده است. برای مثال وزارت کشور در سال ۱۳۸۴ طرح سنجش سرمایه اجتماعی را در سطح کشور انجام داد، اما این طرح داخلی بود و به صورت گستره انتشار نیافت. مشکل دیگر اینکه آمارهای استانی مربوط به این پیمایش موجود نیست. سنجش دیگری در سال ۱۳۸۶ به مدیریت میرطاهر موسوی و جمعی دیگر از صاحب‌نظران برای سنجش سرمایه اجتماعی انجام شده است، اما متأسفانه آمارهای استانی مربوط به متغیرهای این پایان‌نامه در دسترس نبودند. پروژه دیگری نیز توسط شورای فرهنگ عمومی با عنوان «طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیرثبتي)» انجام شده است. در این پیمایش که از سال ۱۳۸۷ آغاز شد و تا سال ۱۳۹۱ ادامه پیدا کرده است، تنها در سال ۱۳۹۱، اعتماد تعمیم یافته مورد سنجش قرار گرفت و خلأ این متغیر در پیمایش سال‌های قبل احساس می‌شود اما متغیرهای دیگر پژوهش ما، در این پیمایش سنجیده نشده است. ضمن اینکه آمارهای مربوط به فساد واقعی در این سال، دچار کاستی و نقص بسیار شدید است و تنها برای چند استان محدود آمار فساد وجود دارد. بنابراین استفاده از این طرح به دلیل موارد فوق منتفی شد. پس از آن نیز در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ نیز دو موج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان انجام شده است، اما متأسفانه در همین سال‌ها، مجدداً با مشکل عدم دسترسی به آمارهای مربوط به فساد واقعی مواجه بودیم و سالنامه‌های آماری در بخش قضایی به شدت رویه محرمانه بودن را در این سال‌ها در دستور قرار داده است. ضمن اینکه نتایج پیمایش سال ۱۳۹۶ محرمانه تلقی شده است.

آمده است. این متغیر با دو سؤال مطرح شده در پیمایش به دست آمده است. در سؤال اول از مردم پرسیده شد: «بعضی‌ها معتقدند در جامعه ما، ثروتمندان هر سال ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟» و در سؤال دوم هم پرسیده شد: «بعضی‌ها معتقدند در شرایط فعلی هر کس پول و پارتی نداشته باشد، حقیقتش پایمال می‌شود. شما با این نظر بیشتر موافقید یا مخالف؟». مردم در جواب این پرسش‌ها، بین کاملاً مخالف تا کاملاً موافق پاسخ داده‌اند. آمارهای مربوط به استان‌های مختلف در پاسخ به این دو سؤال با هم ترکیب شده و برای هر استان، عددی استخراج شده است. بالا بودن این عدد به معنای ادراک بالای بی‌عدالتی در استان مورد نظر است.

متغیر توضیحی دیگر «درک از میزان فساد» است که با عنوان Perceived Corruption در مدل آورده شده است. مقادیر عددی این متغیر با سؤال «به نظر شما ثقلب و کلاهبرداری تا چه حد بین مردم رواج دارد؟» به دست آمده است. پاسخ به این سؤال در بازه اصلاً تا کاملاً بوده است. عدد بالا در این متغیر، به معنای بالا بودن ادراک فساد در استان مورد نظر است؛ یعنی در آن استان، درک از فساد بالاست.

متغیر توضیحی دیگری که از پیمایش استخراج شده، «عام‌گرایی» یا Common است. به این معنا که تا چه اندازه به مردم به یک چشم نگاه می‌شود. سؤال مربوط به عام‌گرایی عبارت است از: «فرض کنید رئیس یک اداره هستید و یکی از بستگان نزدیک شما برای کار اداری به شما مراجعه می‌کند تا چه حد حاضرید کار او را خارج از نوبت انجام دهید؟» پاسخ به این سؤال در بازه اصلاً تا کاملاً بود. هرچه عدد مربوط به این متغیر بیشتر باشد، میزان عام‌گرایی کمتر است؛ یعنی در استان مورد نظر به مردم کمتر به یک چشم نگاه می‌شود. دلیل استفاده از این متغیر توضیحی نیز مشخص است؛ چنانچه مردم احساس کنند که در شرایط و موقعیت‌های مختلف به آنها به یک چشم نگاه نمی‌شود و بعضی افراد بدون ضابطه و فقط براساس رابطه بر دیگران پیشی می‌گیرند، این امر باعث می‌شود که آنها اعتماد خود را به صنف‌های مختلف از دست بدهند.

برای نشان دادن فساد واقعی در مدل از سالنامه‌های آماری استان‌ها استفاده شد. نزدیک‌ترین آماری که بتواند فساد واقعی را نشان دهد «پرونده‌های اختلاس، ارتشا و جعل»

و «صدور چک های برگشتی» هستند. بهترین آماری که می تواند نماینده فساد واقعی باشد، همین دو متغیر هستند. Bribery نشان دهنده متغیر «پرونده های اختلاس، ارتشا و جعل» و Cheque نشانگر متغیر «صدور چک های برگشتی» در سال ۱۳۸۰ است. آزمون پایایی و بررسی وجود ریشه واحد در متغیرها از طریق آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۱ در نرم افزار Eviews انجام شده است که نتایج آن به شرح زیر است.

جدول ۱. آزمون وجود ریشه واحد در متغیرها

متغیر	آماره t	احتمال وجود ریشه واحد
اعتماد تعمیم یافته	-۶/۲۱۰	۰/۰۰
درک از عدالت اجتماعی	-۵/۳۴	۰/۰۲
درک از فساد	-۴/۳۵	۰/۰۰۲۱
عام گرایی	-۴/۴۵	۰/۰۰۱۷
اختلاس، ارتشا و جعل	-۴/۶۶	۰/۰۰۱۰
صدور چک برگشتی	-۵/۱۵	۰/۰۰۰۳

مأخذ: یافته های تحقیق.

۴. یافته های پژوهش

پیش از برازش مدل، نتایج آمار توصیفی برای متغیرهای مدل استخراج و در جدول ۲ وارد شد. توضیح اینکه براساس اعداد به دست آمده از متغیرهای مدل در استان های مختلف؛ می توان کمترین داده، بیشترین داده، میانگین و واریانس را به شرح ذیل به دست آورد.

جدول ۲. نتایج آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	کمترین داده	بیشترین داده	میانگین	واریانس
اعتماد تعمیم یافته	۲/۷۳	۵/۹۹	۴/۴۸	۰/۸۲۱۶
درک از عدالت اجتماعی	۲/۹۵	۵/۸۷	۴/۵۶۵	۰/۷۷۹۱
درک از فساد	۳/۲	۶/۱۲	۴/۸۱۵	۰/۸۰۸۰
عام گرایی	۲/۹۱	۶/۰۲	۴/۶۶	۰/۹۴۱۰
پرونده های اختلاس، ارتشا و جعل	۲۲۷	۶۱۹۹۱	۳۷۰۹	۱۳۳۳۷۹۲۲۴
صدور چک برگشتی	۴۶۳	۱۳۳۲۴۵	۱۰۹۲۶	۷۶۸۹۰۷۲۶۹

مأخذ: همان.

در نهایت برازش مدل با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی انجام شد و نتایج آن در جدول ۳ آورده شد.

جدول ۳. خلاصه نتایج مدل در نرم افزار E-views

متغیرهای وابسته	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	احتمال
C	۵۴۶/۷۹۷۹	۸۶/۸۸۰۱۲	۶/۲۹۳۷۰۵	۰/۰۰۰۰
ادراک فساد	-۰/۲۸۶۷۸۱	۰/۰۸۸۶۶۴	-۳/۲۳۴۴۶۲	۰/۰۰۳۸
ادراک عدالت	۰/۱۵۴۴۹۳	۰/۲۵۵۹۶۹	۰/۶۰۳۵۶۰	۰/۵۵۲۳
عام گرایی	-۰/۰۸۶۴۱۸	۰/۱۲۵۵۷۰	-۰/۶۸۸۲۰۵	۰/۴۹۸۵
پرونده های اختلاس، ارتشا و جعل	۰/۰۰۰۳۲۱	۰/۰۰۰۷۱۴	۰/۴۴۸۹۰۴	۰/۶۵۷۹
صدور چک های برگشتی	-۰/۰۰۰۲۶۶	۰/۰۰۰۲۹۹	-۰/۸۸۸۷۵۵	۰/۳۸۳۷
نتایج تخمین مدل				
آماره دوربین-واتسون	احتمال آماره F	آماره F	R ^۲ تعدیل شده	R ^۲
۲/۰۰۳۹۷۴	۰/۰۰۷۲۷۴	۴/۲۶۸۸۴۳	۰/۳۷۷۰۷۹	۰/۴۹۲۴۳۵

مأخذ: همان.

معناداری کل مدل با توجه به احتمال آماره F اثبات شده است که این احتمال، عدد ۰/۰۰۷ است. شاخص خوبی برازش (R^2) در این تخمین برابر با ۰/۴۹ است؛ به این معنا که متغیرهای توضیحی می‌توانند ۴۹ درصد از تغییرات در متغیر اعتماد تعمیم یافته را توضیح دهند.

با توجه به مقدار احتمال برای متغیر ادراک فساد (۰/۰۰۳۸)، می‌توان گفت که این متغیر تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارد و تأثیر آن بر روی اعتماد تعمیم یافته منفی است که این مطلب از ضریب این متغیر یعنی ۰/۲۸- فهمیده می‌شود. هر واحد تغییر در شاخص ادراک فساد، ۰/۲۸ واحد بر روی اعتماد تعمیم یافته تأثیر می‌گذارد.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی

در این مقاله ابتدا ادبیات نظری و تجربی پیرامون تأثیر مفاسد اقتصادی بر سرمایه اجتماعی و به‌طور خاص مؤلفه اعتماد اجتماعی، کارکردهای اعتماد اجتماعی و در نهایت سازوکارهای تأثیر اعتماد اجتماعی بر عملکرد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه با استفاده از مدل‌سازی سنجی، تأثیر فساد تحقق یافته (فساد عینی) و ادراک فساد (فساد ذهنی) بر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته مورد آزمون قرار گرفت. نتایج مدل نشان داد که از میان متغیرهای توضیحی، ادراک فساد معنادار است و توانایی توضیح‌دهندگی متغیر وابسته یعنی اعتماد تعمیم یافته را دارد. در مورد علت عدم اثبات تأثیر معنادار متغیرهای فساد واقعی (متغیر «پرونده‌های اختلاس، ارتشا و جعل» و متغیر «صدور چک‌های برگشتی») بر متغیر اعتماد تعمیم یافته دو دلیل می‌توان ذکر کرد:

۱. به دلیل تطویل پرونده‌های قضایی و روند کند نشر اخبار آنها در جامعه، به نظر می‌آید که تأثیر این متغیرهای واقعی با وقفه‌های زمانی قابل مشاهده است؛ به عبارت دیگر بروز رفتارهای فسادآلود به تدریج باعث انقباض اعتماد اجتماعی می‌شود. استمرار و تداوم اجرای پروژه‌های ملی سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان می‌توانست این امکان را فراهم کند که اثر متغیرهای فساد واقعی بر وضعیت اعتماد اجتماعی در دوره‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد که متأسفانه این مهم محقق نشده است.

۲. بررسی بخش قضایی سالنامه‌های آماری، به‌ویژه سالنامه‌های آماری در سطح استانی، نشان می‌دهد که این بخش از نظر نوع داده و فرمت ارائه اطلاعات ضعف‌های جدی دارد. شکست ساختاری آمارها از یک سال به سال دیگر به دلیل تغییر در آیین‌نامه‌ها، تفاوت سطح همکاری دستگاه‌های قضایی استان‌های مختلف با مرکز آمار ایران در ارائه اطلاعات و در نهایت حفظ اطلاعات و طبقه‌بندی داده‌ها در بعضی سال‌ها، بخشی از معضلاتی است که پژوهشگران در تحقیقات کمی و در ارتباط با این بخش از سالنامه آماری با آن مواجه هستند.

بنابراین اگرچه در این پژوهش اثر فساد عینی بر اعتماد تعمیم‌یافته اثبات نشد، اما به‌زعم نویسندگان اولاً نمی‌توان از این موضوع به راحتی عبور کرد و چه‌بسا ایراد در نوع داده‌ها و اطلاعات باشد و ثانیاً ادراک فساد در حقیقت آینه‌ای از فساد واقعی در سطح جامعه است. بی‌شک یکی از متغیرهایی که ادراک عمومی از فساد را افزایش می‌دهد گسترش دامنه و تواتر فساد واقعی در جامعه است.

همان‌طور که در ادبیات نظری بحث شد سرمایه اجتماعی و به‌طور مشخص، اعتماد اجتماعی زمینه را برای همکاری‌های جمعی فراهم می‌کند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که زیربنای مشارکت حداکثری مردم در اقتصاد، سرمایه اجتماعی و به‌طور خاص مؤلفه اعتماد است. بنابراین تا زمانی که سطح اعتماد اجتماعی در جامعه در حد قابل قبول نباشد انتظار پایه‌ریزی اقتصاد مردمی و پویا دشوار خواهد بود. توصیه‌های سیاستی بر پایه محتوای مقاله و یافته‌های پژوهش به شرح زیر قابل ذکر است:

الف) ضرورت به‌روزرسانی آمارها و داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، فساد عینی و ادراک فساد: همان‌طور که در قسمت روش پژوهش اشاره شد دستیابی به داده‌ها و آمارهای مورد نیاز برای نگارش این پژوهش به سختی میسر شد. پروژه‌های ملی با عنوان پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان یا با عناوین مشابه، معمولاً با فواصل زمانی غیرمنظم اجرا و منتشر می‌شوند و حتی در مواقعی که نتایج این پژوهش‌ها چندان مناسب به نظر نمی‌رسد انتشار آنها براساس طبقه‌بندی اطلاعاتی انجام می‌شود و در نتیجه دستیابی به آنها دشوار شده و حتی اگر امکان دسترسی به آنها فراهم شود، امکان استناد به آنها و

استفاده از داده‌ها در حوزه پژوهش میسر نیست. مشکل محرمانه بودن و عدم به‌روزرسانی آمارها، به طریق اولی در مورد داده‌های مربوط به فساد عینی (به خصوص فسادهای مرتبط با حوزه اقتصاد نظیر چک‌های برگشتی، تعداد پرونده‌های اختلاس، ارتشا و رشوه) وجود دارد. از اوایل دهه ۸۰ به بعد به‌صورت تدریجی، بر محرمانگی داده‌های مربوط به فساد عینی اضافه شده و نکته قابل توجه این است که بین آمارهای استانی مربوط به فساد عینی هیچ سنخیتی وجود ندارد. دو مشکل اصلی در این باره عبارت‌اند از: الف) تفاوت در فرمت ارائه اطلاعات بین سال‌های مختلف و بین استان‌های کشور و ب) محرمانه کردن داده‌های مربوط به فساد عینی براساس صلاحدید مدیران استانی. از این رو می‌توان گفت که محرمانگی داده‌ها و عدم وجود فرمت یکپارچه کشوری در ارائه آمارها از مهمترین موانع در سر راه اجرای پژوهش‌هایی نظیر پژوهش حاضر است. با توجه به ضرورت پژوهش در حوزه سرمایه اجتماعی و نیاز پژوهشگران به داده‌های به‌روز و قابل اتکا، توصیه اکید آن است که اولاً داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و ادراک فساد براساس تواتر مشخص و به‌صورت عمومی منتشر شود و ثانیاً داده‌های مربوط به فساد عینی، براساس فرمت یکپارچه کشوری منتشر شده و رویه محرمانه کردن داده‌های این حوزه براساس صلاحدید مدیران استانی کنار گذاشته شود.

ب) ضرورت توجه جدی به مقوله ادراک فساد در روند تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی:

بررسی نتایج مدل پژوهش نشان می‌دهد که بین پدیده ادراک فساد و سطح اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته، همبستگی منفی وجود دارد. از طرفی می‌توان گفت که بین فساد عینی و ادراکی نیز همبستگی وجود دارد؛ به طوری که به تبع گسترش رفتارهای فسادآلود در سطح عمومی جامعه، ادراک عموم مردم نسبت به قابل اعتماد بودن دیگران خدشه‌دار می‌شود. غرض آنکه مبارزه با فساد در فضای واقعی از طریق رویه‌های قضایی تنها زمانی مفید خواهد بود و می‌تواند باعث تقویت اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی شود که سطح ادراک فساد را نیز کاهش دهد.

بنابراین چنانچه هدفگذاری متولیان امر قضاوت و نظارت در کشور، صرفاً کاهش سطح فساد عینی و تحقق یافته در جامعه باشد و توجهی به مقوله کاهش ادراک فساد در جامعه

نشود عملاً تأثیری در بازسازی اعتماد اجتماعی نخواهد داشت. مؤلفه‌ای که می‌تواند در کنار مقابله با فساد، سطح ادراک آن را نیز در فضای عمومی جامعه کاهش دهد «اقناع عمومی» است. با هدف دستیابی به اقناع عمومی در بحث مبارزه با فساد، پیشنهادهای زیر قابل طرح است: برگزاری علنی دادگاه‌ها، جرم‌انگاری مفاسد مطابق با شرایط و تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تبیین فرایند پرونده‌های فساد برای جامعه (به‌طور خاص مواردی که در فضای عمومی جامعه بازتاب زیادی داشته است) و پاسخگویی نسبت به روندهای قضایی مرتبط با آن.

ج) ضرورت بازآرایی و بازسازی اعتماد اجتماعی به‌عنوان پیش‌نیاز تحقق اقتصاد مردم‌بنیان و پویا: در ادبیات اقتصادی و جامعه‌شناسی این‌گونه بیان می‌شود که سرمایه اجتماعی و به‌طور خاص مؤلفه اعتماد، در طول سالیان متمادی شکل می‌گیرد اما چه بسا در مدت زمان کوتاهی و به‌واسطه اقدامات تخریبی به راحتی دچار انقباض و اختلال شود؛ به‌طوری‌که بازسازی آن مستلزم زمان طولانی‌تر و تلاش بسیار بیشتر است.

به‌نظر می‌رسد بازسازی مؤلفه اعتماد اجتماعی در شرایط حال حاضر کشورمان، مستلزم طراحی یک بسته همه‌جانبه مشتمل بر عناصر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی، اجتماعی و ... است. تفصیل این پیشنهادها (که یکی از مهمترین اجزای آن مقابله با فساد است) نیازمند پژوهش‌های مجزایی است، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که این پیشنهادها تنها زمانی کارآمد خواهند بود که واقعی، پرتکرار و بلندمدت باشند. واقعی به این معنا که اقدامات اصلاحی، صوری نبوده و درصدد بزک کردن ظاهری ضعف‌ها و کاستی‌ها نباشد؛ پرتکرار از این جهت که اقدامات اصلاحی اندک، تأثیری در بازسازی اعتماد اجتماعی ندارد؛ بلندمدت نیز از این نظر که تقویت اعتماد اجتماعی نیازمند سپری شدن زمان است.

منابع و مآخذ

۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۴). تحول فرهنگی در جامعه صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
۲. رحمانی، تیمور و میثم امیری (۱۳۸۵). «بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و بیرون گروهی بر رشد اقتصادی استان های ایران»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال ۳، ش ۶.
۳. ——— (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان های ایران با روش اقتصادسنجی فضایی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۸.
۴. رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۰). ارزش ها و نگرش های ایرانیان (موج اول)، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۵. رنای، محسن و رزیتا مؤیدفر (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی»، فرایند مدیریت و توسعه، ش ۶۸ و ۶۹.
۶. سوری، علی (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی»، تحقیقات اقتصادی، ش ۶۹.
۷. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران، پروژه تحقیقاتی وزارت کشور.
۸. یوسفی، علیرضا (۱۳۸۱). مشروعیت و اعتماد، تهران، مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری.
9. Biel, A. (2000). "Factors Promoting Cooperation in the Laboratory in Common Pool Resource Dilemmas and in Large Scale Dilemmas", *Cooperation in Modern Society: Promoting the Welfare of Communities, States, and Organizations*, London.
10. Chang, E. C and Y. H. Chu (2006). "Corruption and Trust: Exceptionalism in Asian Democracies?", *The Journal of Politics*, 68(2).
11. Dekker, P and E. M. Uslaner (2003). *Social Capital and Participation in Everyday Life*, Routledge.
12. Fukuyama, F. (1995). "Social Capital and the Global Economy", *Foreign Aff.*, 74, 89.
13. Morris, S. D. and J. L. Klesner (2010). "Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence from Mexico", *Comparative Political Studies*, 43(10).
14. Pharr, S. J. (2000). "Corruption and Public Trust: Perspectives on Japan and East Asia", *Harvard Asia Pacific Review*, 4 (2).
15. Putnam R. (1995). "Tuning in, Tuning out: The Strange Disappearance of Social

- Capital in America", *Political Science and Politics*, (28)4.
16. Putnam, R. D., R. Leonardi and R. Y. Nanetti (1994). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University press.
17. Richey, Sean. (2010). "The Impact of Corruption on Social Trust", *American Politics Research*, 38.4.
18. Rothstein, B., and Eek, D. (2009). Political corruption and social trust: An experimental approach. *Rationality and society*, 21(1), 81-112.
19. Seligson, Mitchell A. (2002). "The Impact of Corruption on Regime Legitimacy: A Comparative Study of Four Latin American Countries", *The Journal of Politics*, 64.02.
20. Štulhofer, Aleksandar (2004). Perception of Corruption and the Erosion of Social Capital in Croatia 1995-2003, *Politička Misao: časopis za Politologiju*, 41(5).
21. Sztompka, P. (1999). *Trust: A Sociological Theory*, Cambridge University Press.
22. Uslaner, Eric M. (2004). "Trust and Corruption", *The New Institutional Economics of Corruption*, 76.
23. Zak, Paul J and Stephen Knack (2001). "Trust and Growth", *The Economic journal*, Vol. 111, Issue. 470.